

زعفران اقتصادی و اقتصاد زعفرانی (از مزرعه تا بازارهای جهانی)

دکتر محمود دانشور کاخکی^۱

استاد اقتصاد توسعه کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

تحولات جهانی با شتاب فزاینده‌ای اقتصاد همه کشورها را تحت تاثیر قرار داده است. در این راستا، افزایش مبادلات تجاری از طریق رشد صادرات و نفوذ در بازارهای جهانی و بین‌المللی و رهایی از اقتصاد تک محصولی برای دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در سر لوحه اهداف اقتصادی همه کشورها از جمله کشور ما قرار گرفته است. تجربه چند دهه گذشته در ایران در زمینه نوسانات درآمدهای ارزی ایجاب می‌کند که سیاست‌گذاری‌هایی در زمینه افزایش صادرات غیرنفتی و به‌ویژه صادرات محصولات کشاورزی انجام پذیرد. از سوی دیگر در روند تغییرات ساختاری و شکل‌گیری هرم توسعه، بخش کشاورزی به‌عنوان زیر بنا و محور توسعه پایدار اقتصادی محسوب می‌گردد. در میان محصولات کشاورزی دارای مزیت نسبی کشور ما، زعفران از جمله محصولات ارزشمندی است که جایگاه منحصر به فردی در سطح جهان دارد.

کشت زعفران با قدمتی بیش از هزار سال در استان خراسان به‌دلیل سازگاری با شرایط طبیعی و برخورداری از سه ویژگی مهم پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی و پایداری زیست محیطی به‌عنوان یک فعالیت غالب در این مناطق محسوب می‌گردیده. هر چند که در سطح ملی، زعفران به‌عنوان "طلای سرخ" نامیده می‌شود، اما علی‌رغم افزایش ۳۰ برابری سطح زیر کشت زعفران در پنج دهه اخیر و برتری کشور در تولید جهانی آن و نیز مزیت‌های سه‌گانه توسعه پایدار نهفته در این محصول، متأسفانه گسترش قابل توجه کشت زعفران در این مناطق و بعضاً در سایر مناطق کشور نتوانسته به توسعه پایدار منطقه‌ای و محصولی تعیین‌کننده در اقتصاد ملی منجر گردد. از این‌رو، در این مطالعه اهمیت محصول زعفران از دو بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد. نخست نقش زعفران در اقتصاد تولید، رفاه‌کنندگان و توسعه منطقه‌ای (زعفران اقتصادی) و سپس نقش آن در اقتصاد ملی (اقتصاد زعفرانی).

زعفران اقتصادی: اصطلاح زعفران اقتصادی معطوف به آن است که تولید این محصول بتواند اولاً تامین‌کننده رفاه اقتصادی برای تولیدکنندگان و عوامل بازار و ثانیاً تضمین‌کننده توسعه پایدار در مناطق تولیدی باشد. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهند که در ۴۵ سال گذشته علی‌رغم افزایش قیمت اسمی زعفران به میزان ۳۵۰۰ برابر (از ۱۲ هزار ریال در سال ۱۳۵۱ به ۴۲ میلیون ریال در سال ۱۳۹۶ هر کیلو) روند افزایش در هزینه‌های تولید و هزینه خانوار در سطح بالاتری نسبت به روند افزایش در درآمد قابل دسترسی توسط تولیدکنندگان بوده است. این امر نشان می‌دهد که برای بیش از ۹۰ درصد بهره‌برداران زعفران که منبع اصلی درآمدی خانوار آنان تابع درآمد حاصل از تولید این محصول می‌باشد، سطح رفاه در این دوره افزایش چندانی نداشته و با روند ثابت یا کاهشی همراه بوده است. علاوه بر آن نوسانات شدید قیمتی و توزیع نامناسب افقی و عمودی حاشیه بازار فرایند تولید تا مصرف به‌طور معمول موجب ناکارآمدی اقتصادی عوامل بازار زعفران می‌گردد. از سوی دیگر با توجه به آن‌که در سطح حدود ۲۰۰ هزار بهره‌بردار زعفران در خراسان بیش از یک میلیون نفر از جمعیت فعال (معادل ۲۵ درصد جمعیت فعال کل کشور) به‌طور مستقیم در فرایند تولید و بهره‌برداری این محصول شاغل می‌باشند، با در نظر گرفتن نرخ مهاجرت بین ۲ تا ۷/۵ درصد سالیانه در مناطق مختلف خراسان، پیش‌بینی می‌گردد به‌دلیل نامناسب بودن سطح رفاه در

^۱ - دکتر محمود دانشور کاخکی - daneshvar@um.ac.ir

این مناطق شاهد افزایش بی رویه تعداد مهاجرین از مناطق تولیدی زعفران باشیم که این خود از نشانه‌ها و عوامل بارز عدم تحقق نقش پایداری اجتماعی تولید زعفران در این مناطق بوده و توسعه نیافتگی منطقه‌ای را تشدید و تثبیت می‌نماید. بنابراین در مجموع این محصول نتوانسته به‌عنوان "زعفران اقتصادی" تامین‌کننده رفاه اقتصادی بهره‌داران، عوامل بازار و توسعه منطقه‌ای گردد.

اقتصاد زعفرانی: این اصطلاح اشاره به زعفران به‌عنوان محصولی دارد که بتواند در اقتصاد ملی نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. در این ارتباط، هر چند که ایران با داشتن حدود ۹۵ درصد تولید جهانی زعفران به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده از نظر کمیت و کیفیت در سطح جهان می‌باشد، اما نتوانسته هیچگاه به‌عنوان بزرگ‌ترین تولیدکننده و صادرکننده جهانی مطرح و یا شناخته شود. بر اساس آمار مرکز تجارت بین‌المللی (ITC) در سال ۲۰۱۷ از مجموع ده میلیارد دلار گردش مالی حاصل از تجارت زعفران در ۹ کشور فعال در حوزه تولید و تجارت زعفران، سهم ایران فقط در حد ۲/۵ درصد معادل ۲۶۰ میلیون دلار بوده است. این بدان معنی است که از مجموع ارزش افزوده جهانی زعفران که بالغ بر ۴۳۰۰ میلیارد می‌باشد سهم ایران در سطح کمتر از ۳ درصد تعیین می‌گردد. این امر بیانگر آنست که تقریباً تمامی ارزش افزوده حاصل از تولید زعفران ایران در خارج از مرزهای کشور رسوب می‌کند و سهم اقتصاد ملی از آن ناچیز می‌باشد. همچنین با در نظر گرفتن ارزش کل صادرات زعفران ایران به صورت رسمی و قاچاق به میزان ۳۰۰ میلیون دلار، در سال ۱۳۹۶ سهم زعفران از مجموع صادرات غیر نفتی (۴۱ میلیارد دلار) کمتر از ۰/۱ درصد و سهم آن از مجموع صادرات کشاورزی (۶ میلیارد دلار) فقط معادل ۰/۵ درصد بوده است. بنابراین آمارهای فوق نشانگر آن است که علی‌رغم جایگاه مهم زعفران، این محصول که طلای سرخ نامیده می‌شود در مقابل طلای سیاه (نفت) نتوانسته نقش تعیین‌کننده‌ای در اقتصاد ملی چه از نظر ایجاد ارزش افزوده و چه از بعد سهم در صادرات ایفا نماید و بنابراین نمی‌توان از اعتبار "اقتصاد زعفرانی" بهره جست.

در مجموع هر چند که در پنج دهه گذشته تلاش محققان دانشگاهی و مراکز تحقیقاتی کشور به پیشرفت‌های قابل توجه و انکارناپذیری در زمینه‌های به زراعی، ابعاد فنی تولید و فرآوری زعفران منجر گشته اما نتایج مجموعه مطالعات بیانگر آن است که در شرایط فعلی، مهم‌ترین چالش طلای سرخ خراسان در نارسائی‌های مربوط به اقتصاد تولید و تجارت آن نهفته می‌باشد. از این‌رو، برای مقابله با خطر انقراض زعفران ایرانی در زمانی نه چندان دور از یکسو و با در نظر گرفتن ماهیت سه بعدی زعفران در زمینه توسعه پایدار به‌عنوان یک ویژگی انحصاری در سطح مناطق تولیدی بومی از سوی دیگر و در راستای شکوفائی اقتصادی و رونق تجاری این محصول، ایجاد "سازمان زعفران" به‌منظور جایگزینی همه تشکیلات سازمانی دیوان سالار در کشور پیشنهاد می‌گردد. هدف‌گیری اساسی این سازمان باید در جهت نجات و حفظ جایگاه جهانی زعفران ایران و ارتقاء و بومی سازی ارزش افزوده آن تعیین گردد که بر پایه دو رکن اساسی قابل دستیابی است: گسترش و ترویج یافته‌های علمی و تحقیقاتی در همه سطوح تولید تا مصرف و رقابت‌پذیری جهانی. بر این اساس تولید زعفران خواهد توانست در یک دوره زمانی میان‌مدت در سطح مناطق تولیدی و ملی در بستر یک فرایند پایدار و تاب‌آور قرار گیرد و از این طریق امکان تحقق "زعفران اقتصادی" و "اقتصاد زعفرانی" را فراهم آورد.

کلمات کلیدی: اقتصاد زعفرانی، بازار جهانی، اقتصاد زعفرانی.